

## ابراز نگرانی آمریکا و آلمان از گفته‌های پوتین درباره تسلیحات جدید روسیه

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، و آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان، در تماسی تلفنی نسبت به اظهارات رئیس‌جمهور روسیه درباره «تسلیحات جدید شکست‌ناپذیر» ابراز نگرانی کردند. بنابر بیانیه‌ای که دفتر صدراعظم آلمان روز جمعه یازدهم اسفند منتشر کرد، رهبران دو کشور «از اظهارات اخیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه، درباره تولید تسلیحات و تأثیر منفی این اقدام بر تلاش‌های کنترل تسلیحات بین‌المللی ابراز نگرانی کردند».

ولادیمیر پوتین یک روز پیش‌تر در جریان سخنرانی سالانه‌اش در برابر نمایندگان پارلمان فدرال روسیه از تسلیحات جدید آن کشور سخن گفته و برخی از آن‌ها را «شکست‌ناپذیر» و «غیر قابل رهگیری» خوانده بود. هنگام سخنرانی رئیس‌جمهور روسیه که عمدتاً به معرفی تسلیحات جدید این کشور می‌پرداخت، ویدئوها و انیمیشن‌هایی درباره موشک‌های جدید و شلیک مجازی آن‌ها به سوی نقاطی در اقیانوس اطلس و ساحل شرقی آمریکا پخش شد.

## تلاش‌های غنی برای صلح؛ کنش‌گری خیر خواهانه یا رفتار عوام‌فریبانه و توطئه‌گرایانه؟



کامران پناهیان

دومین دور نشست «پروسه‌ی کابل» بدبینی‌های زیادی را به دنبال داشته است. منتقدان می‌گویند، بسته‌ی پیشنهادی صلح، از احساس همذات‌پندارانه‌ی رهبری حکومت نسبت به طالبان سرچشمه می‌گیرد. به باور مخالفان این طرح، از سال ۲۰۰۹م تا حالا، با وجود آن که دولت افغانستان تجربه‌ی نزدیک به ۴۰ نشست جهانی و منطقه‌ای در پیوند به صلح در افغانستان را دارد، اما در هیچ کدام از این سلسله نشست‌ها تا این حد سرسپرده و تضرع‌آمیز از طالبان برای آغاز مذاکرات صلح دعوت نشده است.

### نزدیک به ۵۰۰ تروریست در یک هفته گذشته کشته و زخمی شده‌اند

وزارت امور داخله می‌گوید که در یک هفته گذشته تلفات سنگینی به مخالفان مسلح وارد شده و در این مدت نزدیک به ۵۰۰ تروریست کشته و زخمی شده‌اند. به نقل از خبرگزاری جمهور؛ وزارت امور داخله، دیروز شنبه (۱۳ حوت) گفت نیروهای امنیتی و دفاعی کشور در ۷ روز گذشته، ۱۱۱ عملیات مشترک ضد هراس افگنی را در ولایت‌های مختلف کشور راه اندازی کردند. در خبرنامه وزارت امور داخله آمده که این عملیات‌ها در مربوطات ولایت‌های غزنی، پکتیکا، میدان وردک، لوگر، زابل، قندهار، ارزگان، هلمند، غور، فراه، فاریاب، جوزجان، قندوز، بدخشان، پروان، کاپیسا، ننگرهار و پکتیا راه اندازی شدند. وزارت امور داخله گفته است که در نتیجه این عملیات‌ها ۳۰۲ تروریست به شمول شماری از فرماندهان آنان کشته، ۱۸۷ تروریست دیگر زخمی و ۲۸ تروریست دیگر بازداشت شده‌اند. وزارت امور داخله تأکید کرده که نیروهای امنیتی و دفاعی کشور در یک ماهه‌گی کامل، بر مبنای برنامه‌های امنیتی خویش، متعهد به تأمین امنیت تمامی مناطق کشور بوده و با تمام توان در جهت سرکوب و نابودی هراس افگنان و فعالیت‌های تخریبی و اختلال‌گرانه آنان، تلاش خواهند کرد.

### نیکلسون: صلح در افغانستان بدون فشار نظامی ممکن نیست

جنرال جان نیکلسون فرمانده کل نیروهای امریکایی و ناتو در افغانستان تأکید می‌کند که هم‌زمان با تلاش‌های سیاسی برای پایان دادن به جنگ در کشور، فشارهای نظامی نیز بر هراس‌افگنان ادامه خواهد یافت. این مقام بلندپایه امریکایی می‌گوید که در برخی از حالت‌ها آوردن صلح بدون وارد کردن فشارهای نظامی بر دشمن ممکن نیست. وی افزود: هدف ما این است که در نهایت به این جنگ از راه صلح‌آمیز پایان دهیم. اما در برخی اوقات، تأمین صلح بدون وارد کردن فشارهای نظامی بر دشمن ممکن نیست. در همین حال، رییس‌جمهور غنی در گفت‌وگو با تلویزیون «سی ان ان»، در پاسخ به این پرسش که آیا طرحش را در باره صلح که در دومین دور نشست «پروسه کابل» اعلام کرد، آخرین گزینه است و اگر نتیجه ندهد بر سر خود او و مردم افغانستان چه خواهد آمد؟ گفت: «نخست از همه هیچ‌تلاش برای صلح آخرین گزینه نیست؛ ما پیروز خواهیم شد. گذشته نشان داده است که ما چیزهای ناممکن را ممکن ساخته‌ایم». اظهارات فرمانده کل نیروهای امریکایی و ناتو در کشور در حالی است که حکومت در نشست دوم «پروسه کابل» اعلام کرد که با طالبان حاضر است بدون پیش شرط مذاکره کند و آن‌هایی که به پروسه صلح می‌پیوندند امنیت‌شان تأمین خواهد شد.

## قانون اساسی در مورد «تابعیت» چه می‌گوید؟

کوهبندی



تنظیم و ترتیب گردید. تمامی این مصوبات و دستورالعمل‌ها در صورتی می‌تواند کارا، مفید، همه‌جانبه و ملی تلقی گردد، که بتواند چشم‌اندازهای کلی از یک نظام مبتنی بر اراده‌ی مردم را نوید دهد. در غیر این صورت هیچ‌یک از این قوانین راه‌حل اساسی برای بحران فکری و چالش‌های سترگ حکومت‌داری در افغانستان ارائه داده نمی‌تواند. در قانون اساسی با توجه به اصل حاکمیت قانون و اصل تفکیک قوا، نهادهای سه‌گانه‌ی قدرت (اجرائیه، مقننه و قضائیه) هرکدام دارای صلاحیت‌های انحصاری بوده، که دخالت هیچ نهادی در آن محل از اعراب ندارد. قوه‌ی اجرائیه مطابق دستور قانون اساسی صلاحیت دارد، تا فرمان‌های تقنینی قوه‌ی مقننه را بر اساس قانون اجرا نموده

با شکل‌گیری نظام دموکراتیک در افغانستان و به رسمیت‌شناختن اصل تفکیک قوا، قانون اساسی به‌عنوان اصلی‌ترین متن حقوقی، که ساختارهای اداری-سیاسی را تعریف نموده و زمینه‌های مختلف ارزش‌های حاکمیت مبتنی بر اراده‌ی مردم (دموکراسی) را پیش‌بینی کرده، از جایگاه و پایگاه حقوقی ویژه برخوردار می‌باشد. قانون اساسی معتبرترین سند مصوب ملی است، که در آن تمامی اقوام ساکن در کشور به رسمیت شناخته‌شده و از ابزارهای برابر حقوقی-قانونی برخوردار می‌باشند. به دنبال ترتیب و تنظیم قانون اساسی در افغانستان، مصوبات مختلف از سوی پارلمان و برخی منابع قانون‌گذاری، به هدف بهتر ساختن مکانیسم‌های حکومت‌داری و بسط ارزش‌های مدرن نظام دموکراسی،

## لابی‌های قدرت حاکم برای وارونه‌سازی واقعیت‌های جاری کشور

روستایی



ارایه و افکار جامعه‌ی جهانی را به این اشتباه متوجه سازند. محققان غربی و یا شرقی، که بنا به عوامل متعدد، فاقد شناخت لازم از این کشور چندین‌هویی و ساختار اجتماعی مرتبط با آن است، اطلاعات شان را اغلب از لابی‌ها به دست آورده، که به شیوه‌ی ماهرانه صداقت شان را در تصویر پردازی پوشش کاذبانه داده و واقعیت‌ها را وارونه در خورد جامعه‌ی جهانی داده‌اند.

این وارونه‌سازی واقعیت‌ها گذشته از همه مسایل، به ویژه در مورد تصویر پردازی از هویت‌های موجود در افغانستان، بیشترین اثر را داشته است. تا سال‌های پسین، از سیطره‌ی نظم حاکم حمایت و در سطوح مختلف برای آن سرمایه‌ی اجتماعی جستجو نمودند.

روایت واقعی از رویدادهای مرگ‌بار و بازی‌های پیچیده‌ی سیاسی در افغانستان، آن‌چنان که در دنیای دیگر مرسوم است و یا آن‌چنان که شاید و باید صورت گیرد، کم‌تر مورد دقت و توجه قرار گرفته است. حقیقت این است که این روایات و تصویر پردازی‌ها، متأثر از نقش لابی‌های است، که بنا به اشتراک منافع و یا مشترکات دیگر از نوع پیوندهای تباری، دسته‌بندی‌های زبانی و امثال آن، افکار جامعه‌ی جهانی را در حمایت از حلقات مورد نظر شان و اما در مخالفت با نخبگان سیاسی مخالف شان مدیریت کرده‌اند. در این بخش محققان وطنی نیز تا هنوز نتوانسته، در مستندسازی واقعیت‌ها و رخدادهای اتفاق افتاده تصویر معیاری



# تلاش‌های غنی برای صلح؛ کنش‌گری خیرخواهانه یا رفتار عوام‌فریبانه و توطئه‌گرایانه؟

گپ مردم



پریشان رفتاری غنی و آینده‌ی صلح و ثبات در افغانستان

پس از دومین دور کنفرانس «پروسه‌ی کابل» محمد اشرف غنی، رییس حکومت وحدت ملی در مصاحبه‌اش با شبکه‌ی خبری سی‌ان‌ان آمریکا گفته است؛ که بسته‌ی پیشنهاد شده‌ی صلح به طالبان، آخرین گزینه‌ی حکومت برای استقرار صلح در افغانستان نیست. رییس حکومت وحدت ملی همچنان ادعا کرده، که در نهایت ما پیروز می‌شویم و این طرح کامیاب خواهد شد. این‌که حکومت زیر قیادت آقای غنی به چه میزانی توانسته ناممکن‌ها را ممکن سازد و در امر حکومت‌داری موفق باشد، نیاز به بحث بیشتر نیست، زیرا تمام شهروندان این سرزمین به خوبی می‌دانند، که ادعاهای غوغاسالارانه‌ی غنی و تیم همکار او چقدر از واقعیت‌های موجود فاصله دارد. در این میان اما آن‌چه می‌تواند اسباب نگرانی بیشتر برای مردم شود، پریشان رفتاری جنون‌آمیز آقای غنی در پیوند به صلح و مسئله‌های ملی در کشور است. تنها در جریان یک‌ماه گذشته مردم افغانستان و جامعه‌ی جهانی شاهد سه روی‌کرد کاملن متفاوت و متناقض غنی در پیوند به صلح با گروه‌های شورشی از جمله طالبان بوده‌اند. پس از آن‌که گروه طالبان مسوولیت یکی از خونین‌ترین حملات انتحاری در مرکز پایتخت را بر عهده گرفت، آقای غنی اعلام کرد؛ که دیگر با طالبان صلح نمی‌کند و از آنان انتقام خواهد گرفت. هنوز یک‌ماه از تهدید رییس حکومت وحدت ملی نگذشته بود، که ارائه‌ی امتیازات بالابلند در بسته‌ی پیشنهادی صلح آقای غنی به طالبان، همه را شوکه نمود. آقای غنی در جریان دومین دور کنفرانس «پروسه‌ی کابل» اعلام کرد، که دولت افغانستان پیشنهاد واقعی و صادقانه‌ی صلح را برای طالبان ارائه کرده و بار دیگر ندای صلح‌خواهانه‌ی خود را برای راه‌اندازی مذاکرات با پاکستان بلند می‌کند. رییس حکومت وحدت ملی، پس از نشست پروسه‌ی کابل، در شرایطی که جانب مقابل هنوز در برابر بسته‌ی پیشنهادی صلح او واکنش نشان نداده بود، گفت؛ طرح ارائه‌شده‌ی صلح آخرین گزینه نیست. با کنار هم گذاشتن چنین پریشان رفتاری، به این نتیجه می‌رسیم، که هنوز از یک توافق معتبر سیاسی با گروه‌های شورشی و استقرار صلح در کشور فرسنگ‌ها فاصله داریم.

این‌که بعد از سال‌ها، برای اولین بار چهارچوب تعریف‌شده‌ی برای آغاز و پیشبرد مذاکرات صلح با طالبان، وضع گردیده، یک گام به جلو است. اما رفتار مقطعی و کوتاه‌مدت به جای رویکرد آینده‌نگرانه و بلندمدت، پیش از این‌که به تأمین صلح و ثبات کمک نماید، وضعیت را پیچیده‌تر می‌کند. در شرایطی که حکومت وحدت ملی در ایجاد هم‌صدایی و هم‌سوئی میان طیف‌های مختلف جامعه در پیوند به صلح با طالبان و دیگر گروه‌های تروریستی ناتوان بوده است، سخن گفتن از استقرار صلح به جز مصرف تبلیغاتی برای حکومت و دامن‌زدن به خوشبینی‌های کوتاه‌مدت میان بخش‌های از مردم، هیچ‌گونه موثریت دیگر ندارد. سخنان صلاح‌الدین ربانی، سرپرست وزارت خارجه در جریان کنفرانس «پروسه‌ی کابل» به خوبی نشان داد، که نیروهای مختلف سیاسی و قومی در رابطه به صلح با گروه طالبان به شدت در یک ناهم‌سوئی غرق است. وقتی عالی‌ترین مقام دیپلماتیک از هرگونه حرکتی که منجر به حاشیه‌راندن ملیت‌ها شود، هشدار می‌دهد، مفهوم چنین هشدار این است، که نه تنها طیف‌ها مختلف سیاسی و قومی از چگونگی صلح با طالبان راضی نیست، بلکه به نوعی به این روند به عنوان یک توطئه در برابر خود شان نگاه می‌کنند. با این اوصاف استقرار صلح در کشور ممکن به نظر نمی‌رسد. در این‌که پس از سال‌ها جنگ، استقرار صلح در کشور یک شبه ممکن نیست، شکی وجود ندارد. اما اگر تعریف ما و توقع ما از صلح به مفهوم قطع جنگ است، قبل از هر چیز دیگر باید جلو پریشان رفتاری غنی و ناهم‌سوئی‌های داخلی گرفته شود و گفت‌وگوهای صلح با گروه‌های تروریستی و دخیل در جنگ افغانستان با طرح یک برنامه‌ی بلندمدت دنبال شود.

رونده برگزار شد و از سوئی سلسله نشست‌های «گفت‌وگوهای چهارجانبه‌ی صلح» با اشتراک کشورهای (آمریکا، چین، پاکستان و افغانستان) نتیجه‌ی ملموسی نداشت، حکومت افغانستان با مشوره‌ی متحدان بین‌المللی‌اش، نشست «پروسه‌ی کابل» را طرح‌ریزی کرد.

با این اوصاف پرسش اساسی این است؛ آیا حکومت وحدت ملی توانسته، یک اجماع نسبی جهانی، منطقی و داخلی پیرامون صلح افغانستان بوجود آورد؟ یافتن پاسخ این پرسش از این جهت مهم است، که تجربه نشان داده، تا زمانی‌که اجماع منطقی و داخلی در زمینه‌ی صلح در افغانستان بوجود نیاید، دست‌یافتن به صلح واقعی ناممکن است. اشکال دیگر طرح بدون قید و شرط آقای غنی به طالبان عدم ارائه‌ی یک تعریف واضح از صلح است. در هیچ‌جایی بسته‌ی پیشنهادی حکومت به طالبان به روند صلح به مفهوم قطع جنگ نگریسته نشده است. بنابراین صلحی که به قطع جنگ نینجامد، صلح نیست. در صورتی‌که جنگ استمرار یابد و قتل و کشتار ادامه پیدا کند، صلح با طالبان هیچ دردی را دوا نمی‌کند. بهتر این است که با طالبان از موضع قدرت برخورد شود، به صلح به مفهوم قطع جنگ نگریسته شود و مهم‌تر از همه نگاه همذات‌پندارانه‌ی رهبری حکومت نسبت به گروه‌های دهشت‌افکن تغییر کند و با شورشیان و تروریست‌ها به صورت جدی و قاطعانه برخورد شود.

واقعیت این است که جنگ افغانستان منشأ بیرونی دارد. ادعای سرزمین‌های آن‌سوی دیورند از سوی افغانستان و نگرانی از گسترش نفوذ هند در افغانستان، باعث شده، تا پاکستان در طول چندین دهه، با دامن‌زدن به بنیادگرایی، تئور جنگ در افغانستان را گرم نگهدارد. از این منظر اگر ببینیم، صلح پایدار در کشور در صورتی تأمین می‌شود، که دولت افغانستان قبل از هر چیز دیگر با پاکستان حرف و حساب‌اش را روشن کند و به یک چشم‌انداز روشن در آینده‌ی روابط خود با این کشور برسد. بدون اجماع واقعی منطقی صلح در کشور ناممکن خواهد بود. روی این مینا اگر واقعن حکومت وحدت ملی به دنبال استقرار صلح پایدار در کشور است، قبل از هر چیز دیگر با عناصر بیرونی دخیل در جنگ افغانستان کنار بیاید و در مرحله‌ی دوم با گروه‌های شورشی که در داخل کشور حضور دارند، وارد مذاکرات صلح شود.

روند سیاسی به طالبان پیشنهاد شده است. گام دوم «چارچوب قانونی» طرح است؛ این مرحله شامل بازنگری قانون اساسی، راه‌ی زندانیان و حذف نام طالبان از لیست تحریم‌ها، عدالت و تطبیق قوانین می‌شود. «سازمان‌دهی مجدد نهادهای دولتی» سومین مرحله‌ی بسته‌ی پیشنهادی صلح است؛ استقرار و اسکان مهاجرین، حاکمیت قانون، اصلاحات و انکشاف متوازن، مواردی است، که در این مرحله به طالبان در نظر گرفته شده‌اند. امنیت و توسعه، گام‌های چهارم و پنجم این طرح است. در این بخش ادغام مجدد جنگ‌جویان سابق، تأمین امنیت برای تمامی کسانی‌که خواهان آشتی بوده، به طالبان پیش‌نهاد شده‌اند. مرحله‌ی ششم طرح پیشنهادی صلح حکومت، حمایت و مشارکت جامعه‌ی بین‌المللی را شامل می‌شود؛ از قبیل حمایت مالی و دیپلماتیک، حذف تحریم‌ها و وضعیت جنگ‌جویان خارجی. بعد از گام‌های شش‌گانه، آخرین مرحله، شامل روش و مکانیزم تطبیقی طرح است. تعیین اهداف عاجل، کوتاه‌مدت و میان‌مدت، نظارت و تأیید مکانیزم‌ها مواردی است، که در این مرحله تطبیق می‌شود. در بُعد جهانی، در ضمن قدردانی از حمایت سخاوت‌مندان‌ه‌ی بین‌المللی از سال ۲۰۰۱م به این سو، از کشورها خواسته شده، که از پیشنهاد صلح با طالبان حمایت نمایند و به صورت هماهنگ و همگانی برای قناعت‌دادن پاکستان در رابطه به مزایای یک افغانستان با ثبات، تلاش کنند.

دومین دور نشست «پروسه‌ی کابل» بدینی‌های زیادی را به دنبال داشته است. منتقدان می‌گویند، بسته‌ی پیشنهادی صلح، از احساس همذات‌پندارانه‌ی رهبری حکومت نسبت به طالبان سرچشمه می‌گیرد. به باور مخالفان این طرح، از سال ۲۰۰۹م تا حالا، با وجود آن‌که دولت افغانستان تجربه‌ی نزدیک به ۴۰ نشست جهانی و منطقه‌ای در پیوند به صلح در افغانستان را دارد، اما در هیچ کدام از این سلسله نشست‌ها تا این حد سرسپرده و تضرع‌آمیز از طالبان برای آغاز مذاکرات صلح دعوت نشده است. عده‌ای از جریان‌های سیاسی مخالف نقشه‌ی راه صلح حکومت، مدعی‌اند؛ با وصف آن‌که ظاهرن افغان‌ها ابتکار نشست «پروسه‌ی کابل» را در دست دارند، اما این نشست قبل از این‌که در راستای دست‌یابی به صلح در کشور طرح و برنامه‌ریزی شده باشد، یک طرح واکنشی نسبت به نشست مسکو است. به عقیده‌ی آنان دوسال پیش زمانی‌که اولین دور نشست مسکو بدون دعوت دولت افغانستان اما با اشتراک کشورهای منطقه به محوریت

دومین دور نشست «پروسه‌ی کابل» در مورد صلح افغانستان، چهارشنبه هفته‌ی گذشته در کابل برگزار شد. در این نشست محمد اشرف غنی، رییس‌جمهور کشور در حضور نمایندگان بیش از ۲۵ کشور و سازمان بین‌المللی، بسته‌ی پیشنهادی صلح را بدون هیچ‌گونه پیش‌شرطی به طالبان ارائه کرد و از آنان خواست تا به روند گفت‌وگوهای صلح تحت رهبری و مدیریت دولت افغانستان بپیوندند. چند ماه پیش زمانی‌که نخستین دور نشست «پروسه‌ی کابل» برگزار شد، آقای غنی گفته بود؛ هدف این نشست رهبری و به دست‌گرفتن مدیریت نشست‌ها در پیوند به صلح افغانستان است، او این نشست را بزرگ‌ترین فرصت برای دست‌یابی به صلح و طرح مکانیزم مبارزه‌ی مشترک جهانی علیه تروریسم توصیف کرده بود. اکنون اما در دومین دور نشست «پروسه‌ی کابل» رییس‌جمهور غنی گفته است؛ که برای رسیدن به صلح باید چارچوب سیاسی وضع شود، مسیر انتخابات آزاد و عادلانه هموار گردد و طالبان به عنوان یک حزب سیاسی به رسمیت شناخته شود. آقای غنی صلح و پیش‌گیری از خون‌ریزی را یک وجبیه‌ی دینی و ملی خوانده و بر لزوم تأمین امنیت و آشتی با کسانی‌که به دولت می‌پیوندند، تأکید کرده است. در دومین دور نشست «پروسه‌ی کابل» از طالبان خواسته شده، تا دیدگاه‌شان را در مورد روند صلح ارائه کنند و این‌گونه سرنوشت کسانی‌که صلح نمی‌خواهند، مشخص شود. در بسته‌ی پیشنهادی صلح، به طالبان اجازه‌ی گشایش دفتر، آزادی سفر، دسترسی به رسانه‌ها و تأمین امنیت خانواده‌های آنان در نظر گرفته شده، همچنان رییس حکومت وحدت ملی در جریان ارائه‌ی طرح دولت برای گفت‌وگوهای صلح با طالبان، روی مبارزه با فساد، دسترسی عادلانه به دارایی‌های عامه، ایجاد شغل، توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی و آوردن اصلاحات گسترده تأکید کرده است.

طرح صلح حکومت، متشکل از یک روند هفت مرحله‌ای بوده، که گام اول این طرح «روند سیاسی» است. آتش‌بس و شناختن گروه طالبان به عنوان حزب سیاسی، انتخابات فراگیر، آزاد و عادلانه، درشت‌ترین امتیازاتی‌ست، که زیر چتر

**دومین دور نشست «پروسه‌ی کابل» بدینی‌های زیادی را به دنبال داشته است. منتقدان می‌گویند، بسته‌ی پیشنهادی صلح، از احساس**

**همذات‌پندارانه‌ی رهبری حکومت نسبت به طالبان سرچشمه می‌گیرد. به باور مخالفان این طرح، از سال ۲۰۰۹م تا حالا، با وجود آن‌که دولت**

**افغانستان تجربه‌ی نزدیک به ۴۰ نشست جهانی و منطقه‌ای در پیوند به صلح در افغانستان را دارد، اما در هیچ کدام از این سلسله نشست‌ها تا این**

**حد سرسپرده و تضرع‌آمیز از طالبان برای آغاز مذاکرات صلح دعوت نشده است. عده‌ای از جریان‌های سیاسی مخالف نقشه‌ی راه صلح حکومت،**

**مدعی‌اند؛ با وصف آن‌که ظاهرن افغان‌ها ابتکار نشست «پروسه‌ی کابل» را در دست دارند، اما این نشست قبل از این‌که در راستای دست‌یابی به**

**صلح در کشور طرح و برنامه‌ریزی شده باشد، یک طرح واکنشی نسبت به نشست مسکو است.**

## لابی‌های قدرت حاکم برای وارونه‌سازی واقعیت‌های...

اما در سال‌های اخیر، که عمدتاً فروپاشی سلطنت به آن کمک کرد، هویت‌های محکوم نیز با استفاده از فرصت به میان آمده توانست، در معادلات سیاسی منطقه از این قدرت بهره‌برداری نماید. اما لابی‌ان هویت حاکم، که با شناخت از مناسبات بین‌المللی، تجربه، دانش و در دست داشتن اقتدار در موضع برتر قرار داشته‌اند، در این عرصه، تا کنون توانسته از سیطره‌های نظم حاکم به خوبی دفاع و نظم مطلوبش را با استفاده از امکانات حامیان بیرونی‌اش در جایگاه مناسب نگهدارد.

لابی‌ان حاکم، گذشته از همه راه و رفتار پیدا و پنهانش در عرصه‌ی جهانی، به ویژه در وارونه‌سازی چهره و کمیت ملیت‌ها و اقوام محکوم و از عدم تاثیرگذاری آن‌ها در منازعات سیاسی به خوبی تصویر پردازی کاذب کرده‌اند. این لابی‌ان که پس از شکل‌گیری استعمار در قرن ۱۹ دنیال هویت‌های هم‌سو در آسیای مرکزی دست به کار شد، به زودی توانست با ایجاد قدرت سیاسی هم‌سو با منافع سیاسی‌اش، لابی‌ان هم‌تبار با قدرت حاکم را نیز در کنارش پرورش و تربیه نماید. در این صورت لابی‌ان داخلی هم‌سو با نظم حاکم و هم‌مسئولان خارجی‌شان در یک هماهنگی لازم، با ایجاد انحراف در افکار جامعه‌ی بشری توانست قریب به دو سده اوضاع را به نفع‌شان سمت و سو دهند. در این فضای غبارآلود، که تصویر پردازان مغرض توانسته‌اند، از ضرورت نظم مطلق‌العنان در افغانستان حمایت جهانی تولید نماید، نه تنها رد پای اکثریت قریب به اتفاق ملیت‌ها و اقوام افغانستان، بلکه مهم‌تر از همه، چهره‌های اکثریت قاطع استقلال‌طلبان، آزادی‌خواهان و جویندگان عدالت و برابری انسان‌ها نیز

## قانون اساسی در مورد «تابعیت» چه...

و در زمینه‌ی پالیسی‌سازی با سایر قوا مشورت نماید. همچنین قوه‌ی قضائیه وظیفه دارد تا بر اساس قانون، افراد مجرم را در دستگاه‌های عدلی و قضایی محکوم و بعد از محاکمه به قوه‌ی اجرائیه برای مجازات بسپارد.

با توجه به این اصول، اساسن وظیفه نهاد اجرائیه، قانون‌گذاری نیست. اما با این‌حال رییس‌جمهور غنی برخلاف دستور صریح قانون اساسی در مورد فرامین تقنینی رییس‌جمهور، فرمان تقنینی در مورد صدور تذکره‌ی برقی، صادر نموده و خواستار توزیع آن به زودترین فرصت ممکن شده است. این در حالی است که پارلمان در تعطیلات زمستانی به سر می‌برد و تیم ارگ با خیال آسوده کار چندماهه را یک‌شبه به پیش می‌برد. با توجه به اصل تفکیک قوا رییس‌جمهور و وزراً حق دخالت در امور پارلمان را نداشته و هرگونه دخالت باعث تعقیب قضایی می‌گردد.

در ماده ۹۰ قانون اساسی پیرامون صلاحیت‌های پارلمان چنین آمده است: «شورای ملی صلاحیت تصویب، تعدیل یا لغو قوانین و فرامین تقنینی حکومت را دارد.» با در نظر داشت این ماده اصلیت قانون‌گذاری به عهده‌ی پارلمان می‌باشد. رییس‌جمهور غنی برخلاف این دستور قانون اساسی فرمان تقنینی در زمان تعطیلات وکلا، صادر نموده که از هیچ مشروعیت قانونی و استحکام حقوقی برخوردار نیست. تیم ارگ با قاطعیت تمام در صدد تخریب باورهای مشترک ملی در افغانستان بوده و عملن نشان داده است، که به ارزش‌های کلان کشور و هنجارهای نهفته در درون مناسبات اجتماعی\_فرهنگی در افغانستان باورمند نیستند و تنها هدف‌شان استفاده‌ی ابزاری از منابع قدرت در کشور بوده که پیامدهای ناگوار سیاسی و فرهنگی به دنبال دارد.

قانون اساسی در ماده‌ی چهارم اذعان می‌دارد: «ملت افغانستان مشتمل از اقوام پشتون، تاجیک، هزاره، ازبک، ترکمن، بلوچ، پشه‌ای، نورستانی، ایماق، عرب، قرغیز، قزلباش، گوجر، براهوی و سایر اقوام می‌باشد.» با توجه به این ماده، ملت افغانستان مشمول تمامی این اقوام بوده و کلیت ساختار سیاسی کشور نیز بر اساس این شاخصه‌ها تعیین می‌گردد. اقوام ساکن در کشور بدون درنظرداشت سمت، جنسیت و اهلیت حقوقی تابعیت کشور را داشته و از حقوق اولیه‌ی شهروندی و مدنی برخوردار می‌باشد، اما با این وجود حلقه‌ی فعال در درون ارگ ریاست‌جمهوری با تمام این موارد دست به اختلاف زده و ارزش‌های مهم قانونی و حقوقی پیرامون این موضوع را نادیده می‌گیرند.

این در حالی است که با اوج گرفتن بحث تذکره‌ی برقی در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، اقوام غیر پشتون خواستار تعدیل واژه‌ی افغان در این تذکره گردیده و آن‌را مخالف با روح قانون اساسی و سایر قوانین موجود

افراد و اشخاص که نقش جز ارایه‌ی خدمات و آن‌هم در بدل منابع هنگفت مالی، برای یکی از طرف‌های درگیر در آن دو منازعه خونین نداشته اند، به آسانی در سطح رهبران سیاسی، زعمای ملی و یا رهبران جهادی بالا کشیده می‌شود. اما مدافعان واقعی این آب و خاک و آن‌هم به آسانی از صفحه‌ی تاریخ پاک می‌شوند. گذشته از همه مسایل، این لابی‌ان تا کنون به خوبی توانسته‌اند، تا از حرکت نظام به نفع چند صدایی و مردم‌سالاری جلو گرفته و به نفع نظم تمامیت‌خواه و انحصاری حمایت جلب نمایند. این اوج ذلت ساکنان یک کشور است، که تاریخ‌اش فقط با معافیت جنایت‌کاران تعریف می‌شود.

تصویر پردازی و روایت‌نگاری در این کشور، اغلب از کنار حافظان واقعی این مرز و بوم گذشته و با ناسامانی قلم زده‌اند. دست پنهان که این دست‌کاری را سازمان داده، بدون شک بخش از سهام‌داران قدرت بوده‌اند، که با این‌گونه روایت‌نگاری کاذب توانسته‌اند، تاریخ این کشور را دست‌کاری و استمرار قومی قدرت را کمک و آن‌را استحکام دهند. پدیده‌ای که در این کشور مصیبت‌زده مقفود است، روایت واقعی از حوادث دردناک و مدیران سیاسی این سناریوی مرگ‌بار است، که تا کنون کم‌تر به آن اشاره‌ای صورت گرفته است. این سوال که چرا تروریست‌های بی‌رحم برای نظم حاکم، برادر به شمار رفته و تهدید به حساب نمی‌آید؛ اما برخلاف افراد و اشخاص خلع‌سلاح و اما اصلاح‌طلب، تهدید خوانده می‌شود، طنز تلخ واقعیت‌های ناگفته‌ای از تاریخ نانوشته این جغرافیای قساوت و بی‌رحمی است.

می‌دانند. نخبگان سیاسی و برخی چهره‌های شاخص از جمله ریاست اجرائیه نیز نسبت به این عمل ارگ ریاست‌جمهوری واکنش نشان داده و خواستار بحث و گفتگوی بیشتر در این زمینه شدند. آن‌چه از متن این مباحث جدال‌زا برمی‌آید این است، که حلقه‌ی ارگ با راه‌اندازی چنین مباحث حساسیت‌زا و غیرعقلانی در تلاش‌اند، تا ناکامی‌های کلان حکومت را سرپوش گذاشته و فرصت نقد کردن اعمال حاکمیت را از مردم و مخصوصن رسانه‌ها بگیرند. رییس‌جمهور غنی و ساکنین ارگ به‌خوبی می‌دانند که روند توزیع تذکره‌ی برقی یک توهم میان‌خالی بیش نبوده و هیچ مسیر مطمئن برای رسیدن به این هدف وجود ندارد، بلکه به‌عنوان یک تابوی رسانه‌ای و فکری برای برخی منابع منتقد تبدیل گردیده، تا نسبت به آن واکنش نشان دهند و زمینه‌ی گفتگوهای انتقادی‌شان تا حدودی مسدود شوند.

با توجه به این موارد بر نخبگان فکری و جریان‌های فرهنگی\_مدنی افغانستان لازم است، تا با درک عمیق و بنیادی از مناسبات سیاسی در کشور تلاش نمایند تا بافت‌های غیرمعیاری و گفتمان‌های فاقد باورهای ملی که مسیرهای مشترک فکری انسان افغانی را به بی‌راهه سوق می‌دهد را نقد نموده و فرصت‌های مناسب گفت‌وگو را در درون ساختارهای مدنی و شبکه‌های اجتماعی با نیروها و ظرفیت فراوان داخلی و بین‌المللی فراهم کنند.

## برگی از تاریخ

### «جنگ علیه هزاره‌های دایه و فولاد»

"سردار عبدالقدوس خان خطاب به حکمران نوشته: «وقتی به مرز سرزمین دایه و فولاد رسیدیم، مالکان و منتقدین این ناحیه به نژدم آمدند تا اطاعت و فرمان‌برداری‌شان را اعلام کنند. هزاره‌های دایه و فولاد با شنیدن این خبر به خانه‌های مالکان‌شان حمله کردند و برای جنگ آماده شدند. آن‌ها نخست با نیروی محلی قبیله‌ی ملاخیل مواجه شدند. این درگیری یک روز کامل به طول انجامید. صبح روز بعد، با دو گروه‌ان پیاده نظام، دو گروه سواره‌نظام و دو عراده توپ به سوی هزاره‌ها رفتم، بدان‌ها حمله و کاملن تارومارشان کردم و خانه‌ها و اموال‌شان را به غنیمت گرفتم. امیدوارم به زودی بر هزاره‌های دایه و فولاد پیروز شوم. وقتی بدین مهم دست یافتم، به سوی هزاره‌های سرزاولی، سلطان احمد و اجرستان راه خواهم افتاد.» سردار همین‌طور ادامه می‌دهد تا حکمران را در خصوص ضرورت جمع‌آوری و اعزام نیروی قبیلوی از قندهار و پیوستن‌شان بدو در کوتاه‌ترین زمان ممکن تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین حکمران، خان‌های قندهاری را فراخواند و آن‌ها را به خاطر کم‌کاری‌شان در جمع‌آوری نیرو ملامت کرد. اکنون وی صاحب‌منصبان خود را برای این امر مقرر داشته و ایشیک آقاسی دوست‌محمد را همراه با صد سوار و یک گروه از خاصه‌داران را به چوره هدایت داد تا فرماندهی نیروی سواران محلی اعزامی بدانجا را برعهده گیرد. اکنون سواران قبیلوی روزانه در دسته‌های چهل و پنجاه نفری به قندهار می‌رسند و همان روز به تیرین اعزام می‌شوند. با این حال، اسلحه‌های‌شان بی‌فایده است. مسافرانی که از مسیر چوره می‌آیند می‌گویند که هزاره‌های ارزگان جمع شده و مصمم به مقاومت هستند.

۲. محمد یعقوب خان الکوزی چندتن از مالکان اچکزی را به قندهار آورده تا به حکمران ادای احترام کنند. حکمران بی‌آن‌که روی خوش نشان دهد یا دل‌جویی‌شان کند، از آن‌ها خواست تا سواران قبیلوی‌شان را برای اردوکنشی ارزگان راهی کنند. مالکان هیچ چاره‌ای جز اجابت درخواست حکمران ندیدند. گزارش اخبار، D شماره‌ی R.F ۳۳۱ شماره‌ی ۶۱۴۹، کوپته، ۲۲ سپتامبر ۱۸۸۹م. از: فرمانده جی.بیدولف، فرماندار کُل در بلوچستان. به: سکرتر حکومت هند، وزارت خارجه. خبرنامه شماره ۲۷. توسط: خان بهادر میرزا محمدتقی خان، ۱۴ سپتامبر ۱۸۹۱م.

«پیشروی به سوی چوره»

۲. حکمران فرمان‌های صادر کرده و دستور داده که تمام شترهای متعلق به رمه‌داران نورزی و اچکزی باید برای انتقال آن‌وقه‌ها به ارزگان جمع‌آوری شوند.

۴. سواران قبیلوی که خان‌های درانی قندهار برای اردوکنشی ارزگان تهیه دیده‌اند، همگی از قبایل دیگر معروف به «اپره» اجیر شده‌اند.

حکمران از خان‌های درانی خواسته تا این نیروی قبیلوی را شخصن همراهی کنند که این امر کُله و شکایت آن‌ها را در پی داشت. آن‌ها اصرار داشتند که هیچ معاشی از حکومت دریافت نکرده و هزینه‌ی کافی برای این سفر ندارند. رقم نهایی سواران قبیلوی جمع‌آوری‌شده از روستاهای مجاور قندهار، از هزار نفر فراتر نمی‌رود.

۵. سردار عبدالقدوس خان از مجاورت منطقه‌ی دایه و فولاد، به سمت چوره حرکت کرده است. او به حکمران نوشته که ظرف یک هفته به چوره خواهد رسید و این‌که مقصودش از رفتن بدانجا، سرکشی و رسیدگی به نیروهای مستقر در آن‌جا می‌باشد. این امر مردم را بدین نتیجه رسانده که سردار در طرح اردو کنشی به ارزگان از طریق دایه و فولاد موفق نشده یا این‌که در تحصیل آن‌وقه در امتداد مسیر اردوکنشی شکست خورده و بدین‌گونه، مجبور به پیشروی به سوی چوره است. فرمانده‌ی هنگ پیاده‌نظام در چوره به حکمران نوشته که مهمات هنگش رو به اتمام است. از همین رو، مهمات لازم برایش فرستاده می‌شود. کلنل نور احمدخان، فرمانده‌ی توپ‌خانه در قندهار، دستورهایی مبنی بر پیشروی به چوره با دو عراده توپ دریافت کرده است. به نظر می‌رسد که نیروهای زمینی اردوکنشی ارزگان بسیار بد تجهیز شده‌اند."

منبع: یادداشت‌های قندهار، هزاره‌ها در نامه‌ها و مکاتبات خبرنگران بریتانیایی، گردآورنده: م. گلزاری، مترجم: ع. محمدی، چاپ اول، موسسه‌ی فرهنگی و انتشاراتی صبح امید، صص ۵۰-۵۲



- تنها "گپ مردم" بازتاب‌دهنده‌ی موضع‌گیری رسمی نشریه است و مسئولیت نوشته‌های دیگر به عهده‌ی نویسندگان آن می‌باشد.
- "صدای مردم افغانستان"، از ارسال نوشته‌های خوب شما استقبال می‌کند. اداره‌ی نشریه در ویرایش، نشر و یا عدم نشر نوشته‌ها دست باز دارد.

فیس‌بوک: هفته‌نامه صدای مردم افغانستان  
آدرس دفتر: کابل، کارته - ۳، سرک شش، نزدیک ریاست پاسپورت

مدیر مسئول  
عبدالخالق آزاد  
شماره‌ی تماس: ۰۷۹۸۵۷۷۸۰۸  
سر‌دبیر  
اسحق‌علی احساس  
ایمیل: sadaaym@gmail.com  
زیر نظر شورای نویسندگان

سال چهارم، یکشنبه، ۱۳ حوت ۱۳۹۶ هجری خورشیدی، ۴ مارچ ۲۰۱۸ میلادی

شماره‌ی ۱۷۱

## عوامل تأثیر گذار بر دینامیزم صلح و جنگ در افغانستان چیست؟

### نسیم نظری



ظرفیت‌های ملی و بین‌المللی درخواست نمودند تا جلو چنین تصمیم ناعادلانه را بگیرند.

این گفته‌های آقای غنی در حالی مطرح می‌گردد، که مطابق گزارش سازمان ملل متحد در طی یک سال گذشته (۲۰۱۷)، بیش از ۱۰۰۰۰ شهروند بی‌گناه در افغانستان کشته و خمی شدند، که مسوولیت اکثریت این فاجعه‌ها را گروه تروریستی طالبان به عهده گرفتند. از طرفی دیگر شورای نام نهاد به نام شورای عالی صلح که اساسن وظیفه دارد، تا چانه‌زنی‌های مهم در مورد صلح را زمینه‌سازی و فرصت‌های مناسب ملی و بین‌المللی را در مورد پروسه‌ی صلح ایجاد نماید و امکانات موجود در این گفت‌وگوها را مدیریت کند، اما این شورا، از متن که ارگ ریاست‌جمهوری در روز چهارشنبه و در حضور رهبران کشورها و سازمان‌های جهانی آن‌را همگانی ساخت، ظاهرن آگاهی ندارد. یک منبع معتبر در دورن این شورا به رسانه‌ها گفته: که از متن مصوب ارگ ریاست‌جمهوری آگاهی نداشته و قبل از نشست در اختیار آنان قرار نگرفته است.

پارادوکس عملی میان رهبری شورای عالی صلح و ارگ ریاست‌جمهوری کابل به وضاحت تمام، چشم‌انداز کلی پروسه‌ی صلح را وارونه جلوه می‌دهد و آن‌را یک کارت بازی برای حکومت و سران ارشد نظامی در افغانستان تلقی می‌کند. با این وجود اما طالبان در یک اعلامیه‌ای که قبل از نشست صلح کابل در اختیار رسانه‌ها گذاشت، گفته است: "طالبان با دولت آمریکا طرف قرارداد بوده و هرگونه فرصت‌های برای دستیابی به صلح را نیز از مجاری آنان جستجو می‌کنند." طالبان ادعا نموده‌اند که باید آمریکایی‌ها در نشست صلح طرف مذاکره‌کننده باشد، نه حکومت افغانستان، زیرا به گفته‌ی آنان حکومت افغانستان ظرفیت گفت‌وگوهای صلح را نداشته و از صلاحیت اساسی در این زمینه بی‌بهره است. طالبان در این خبرنامه تأکید کرده، که روند پروسه‌ی صلح باید در دفتر سیاسی آنان در قطر پیگیری شود و هرنشست پیرامون صلح افغانستان باید از این طریق انجام شود.

با این اوصاف، شورای عالی صلح و دولت افغانستان به‌هیچ‌وجه قادر نیست، تا طالبان را در میز مذاکره بکشاند و با امتیاز دادن‌های بی‌مورد به آنان، به خوش‌بینی مردم افغانستان برای استقرار صلح در کشور دامن بزنند.

چهره‌های شاخص دیدار و خواستار ایجاد فرصت مناسب برای گفت‌وگو با طالبان شوند. این در حالی است که طالبان از هرگونه اقدام عملی در این مورد از طرف حکومت وحدت ملی بی‌باور بوده و اراده‌ی قاطع حکومت وحدت ملی را در این مورد بی‌بنیاد می‌خواند. طالبان با هر بار نشست در مورد صلح، پاسخ این نشست‌ها را با انجام اعمال تروریستی داده و با این اعمال‌شان نشان می‌دهند، که در چشم‌انداز صلح حکومت، هیچ‌گونه خوش‌بینی برای آنان وجود ندارد.

در آخرین مورد طالبان با حمله بر چهار راهی صدارت که یکی از مهم‌ترین مکان‌های پایتخت به شمار می‌رود، نشان داد که تمایل چندانی به پروسه‌ی صلح نداشته و ارزش‌های صلح برای آنان بی‌بنیاد است. بعد از این حمله، حکومت دو نشست مهم را در کابل راه‌اندازی نمود، تا مسیرهای مشترک تفاهم با طالبان را از طریق امکانات کشورهای همسایه و سازمان‌های بین‌المللی، جستجو نماید و با طالبان وارد تعامل گردد. در مهم‌ترین نشست که چهارشنبه هفته‌ی گذشته با حضور نمایندگان بیش از ۲۵ کشور و ۳ سازمان جهانی در کابل برگزار شد، رییس‌جمهور اشرف غنی با قاطعیت تمام تأکید نمود، که دولت افغانستان حاضر است با طالبان از هر راه ممکن وارد تعامل شود و زمینه‌ی ورود آنان را در بافت سیاسی-اجتماعی افغانستان فراهم سازد. او اذعان داشت که: "طالبان را به‌عنوان یک حزب سیاسی در کشور به رسمیت می‌شناسد". این سخنان غنی واکنش‌های سنگین مدنی و رسانه‌ای را در پی داشت و نخنگان فرهنگی-سیاسی آن را یک انعطاف‌پذیری نابخردانه و فاقد باورهای مشترک ملی و توهین به خون شهدا، دانستند و از

این گفته‌های آقای غنی در حالی مطرح می‌گردد، که مطابق گزارش سازمان ملل متحد در طی یک سال گذشته (۲۰۱۷)، بیش از ۱۰۰۰۰ شهروند بی‌گناه در افغانستان کشته و خمی شدند، که مسوولیت اکثریت این فاجعه‌ها را گروه تروریستی طالبان به عهده گرفتند. از طرفی دیگر شورای نام نهاد به نام شورای عالی صلح که اساسن وظیفه دارد، تا چانه‌زنی‌های مهم در مورد صلح را زمینه‌سازی و فرصت‌های مناسب ملی و بین‌المللی را در مورد پروسه‌ی صلح ایجاد نماید و امکانات موجود در این گفت‌وگوها را مدیریت کند، اما این شورا، از متن که ارگ ریاست‌جمهوری در روز چهارشنبه و در حضور رهبران کشورها و سازمان‌های جهانی آن‌را همگانی ساخت، ظاهرن آگاهی ندارد.

## فریاد بر علیه تبعیض

بسم الله یاوری

باید باور داشته باشیم، که هر فریادی بر علیه تبعیض در صفحه‌ی تاریخ انعکاس خواهد یافت. روی سردمداران استبداد سیاه خواهد شد. شاید توتاپ از بامیان عبور نکند، شاید یک نسل در تاریکی به عنوان شهروند درجه‌دوم زندگی کند. اما بساط استبداد روزی برچیده خواهد شد. خون شهدایی جنبش روشنایی در بستر تاریخ جریان خواهد داشت. این خون مقدس هرگز نمی‌خشکد. این خون، خون آزادی است. خون رها شدن از یوغ استبداد است. همان‌گونه که خون شهید عبدالخالق دیرنسیل سلطنت مطلقه و خودکامه را تغییر داد. آن‌گونه که خون شیرین و یاران سلحشور اش، عفت و پاکدامنی نسل هزاره را ثابت نمود. خون شهدایی جنبش روشنایی، چهره‌ای دلگه، عبوس و شیطان‌صفت ارگ‌نشینان را هویدا نمود. اکنون ما رسالت داریم، تا از خون شهدایی خویش پاسداری کنیم. نگذاریم تشنگان شهرت و قدرت از خون عزیزان مان استفاده‌ی ابزاری کند. رسالت نسل سوم شامل چند پکیج است:

یکم: تظاهرات بیرون مرزی خالی از نفع نیست. حد اقل‌ترین دستاورد اش، این است که مردم ما را به جامعه‌ی جهانی باز معرفی می‌کند. ملت ما توسط تیم انحصاری قدرت، به جامعه‌ی جهانی یک اقلیت کوچک معرفی شده است. حضور پر رنگ در خیابان‌های اروپا، آمریکا و استرالیا، دیر یا زود کذابیت فاشیست‌ها را هویدا خواهد کرد.

دوم: حفظ اتحاد، نوحه‌ی استفاده از نمادها، شعارها و بیانیه‌ها داری اهمیت فوق‌العاده است. بدینسان اعضای فرهنگی جنبش‌های اعتراضی به این مهم توجه جدی نمایند. طرف ما ارگ و سپیدار است، نه سران قوم. هر نوع فحاشی به آدرس اقوام جامعه‌ی ما، ضربه‌ای مهلک به کل ملت ما است. انسان‌های معتقد به حقوق شهروندی نباید از ادبیات غیر اخلاقی استفاده کند. جامعه‌ی ما امروز بیشتر از هر چیزی به اتحاد ضرورت مبرم دارد. تا در درون خود به یک وحدت نرسیم، مطالبه‌ی حق و حقوق شهروندی، معنی ندارد. همان‌گونه که در تاریخ ملت ما از بی‌اتحادی کله‌منارها ساخته شد، آوارگی‌ها آغاز گردید، ثمره بی‌اتفاقی و جدال درونی برابری ما است، نه آبادی. سوم: تدوین یک استراتژی مشخص و معقول برای ادامه‌ی اعتراضات و جنبش‌های اجتماعی. زیرا استراتژی حضور در خیابان، غایتن بی‌اثر می‌شود. در کنار تدوین یک استراتژی برای تداوم جنبش‌ها، باید به اشخاص متعدد و متخصص در سطح تصمیم‌گیری این جنبش‌ها فرصت داده شود. در گذشته شوربختانه کسانی در رده‌ی تصمیم‌گیری جریان‌های اعتراضی قرار گرفتند، که از حرکت‌های مدنی و دادخواهانه برای شان پروفایل سیاسی ساختند. برای این‌که در آینده این آفت دامن‌گیر جنبش‌های اجتماعی نشود، باید به افرادی که به دنبال استفاده‌ی شخصی اند، در درون جریان‌های اعتراضی فرصت مانور داده نشود.

چهارم: عبور از احساسات. با احساسات فقط عقده‌ها به شکل مقطعی فروکش می‌کند، اما ره به جایی نمی‌برد. بنابراین بایست نوع بازی را تغییر داد. در افغانستان مردم باید از به قدرت رسیدن آنانی‌که به اراده‌ی مردم دست‌برد زدند، جلوگیری کند و دست کسی یا کسانی را بگیرد که به خواسته‌های مردم ما لیبیک گویند. در خارج از کشور فعالان مدنی و سیاسی باید با سازمان‌های حقوق بشری، احزاب سیاسی و اصحاب رسانه وارد گفتگو شوند. در داخل کشور، مردم باید نوع ادبیات خویش را تغییر دهد. تنها حضور در خیابان کافی نیست، باید راه‌های متفاوت برای دادخواهی جست‌وجو شود.